

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم قرآنی ۳

(مکی و مدنی، اسباب نزول، محکم و متشابه، نسخ)

دکتر محمد اسعدی

تابستان ۱۳۹۸

دانشگاه
علوم قرآن و حدیث

اسعدی، محمد، ۱۳۵۰ -
 علوم قرآنی ۳ (مکی و مدنی، اسباب نزول، محکم و متشابه، نسخ) / محمد اسعدی - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
 ۱۳۹۸.
 چهارده، ۲۴۳ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۷۷: قرآن پژوهی؛ ۵۴)
 بها: ۲۶۰۰۰۰ ریال
 ISBN: 978-600-298-237-7
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.
 کتابنامه. ص. [۲۲۷] - ۲۳۶: همچنین به صورت زیرنویس.
 نمایه.
 ۱. قرآن -- علوم قرآنی. ۲. Qur'an -- Qur'anic science. ۳. قرآن -- تحقیق. ۴. Qur'an -- Research.
 الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
 ۱۳۹۷ ۸۴۴/۵ الف/ BP۶۹
 ۲۹۷/۱۵
 شماره کتابشناسی ملی
 ۵۴۵۹۰۲۵



علوم قرآنی ۳ (مکی و مدنی، اسباب نزول، محکم و متشابه، نسخ)

مؤلف: دکتر محمد اسعدی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ناظر: حجت الاسلام دکتر سیدرضا مؤدب

ویراستار: سعیدرضا علی عسگری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرای: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

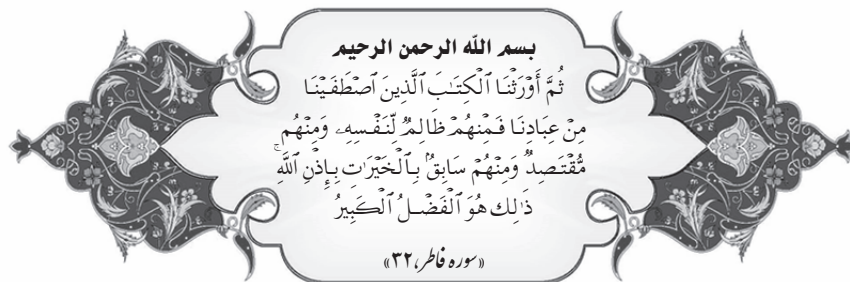
تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم- سبحان

قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
 قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰
 (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵
 تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
 www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
 مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحول و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحول ضروری می‌نمود که درسنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرای آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه
پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۵۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان کتاب درسی در زمینه مطالعات قرآنی برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث و تفسیر در مقطع کارشناسی فراهم شده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی و نیز از ناظر محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر سیدرضا مؤدّب سپاسگزاری کند. همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش‌های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه‌های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر نقش داشته‌اند؛ سپاسگزاری می‌شود.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: کلیات علوم قرآنی ۳

درس اول: کلیاتی در شناخت علوم قرآنی ۳.....	۵
۱. علوم قرآنی ۳ و اهمیت آن در اندیشه اسلامی.....	۵
۲. تاریخ و پیشینه علوم قرآنی.....	۷
۳. رده‌بندی‌های علوم قرآنی و جایگاه علوم قرآنی ۳.....	۱۱
الف) رده‌بندی‌های پیشینیان.....	۱۲
ب) رده‌بندی‌های معاصران.....	۱۳
۴. ماهیت علمی علوم قرآنی ۳.....	۱۹
○ خلاصه درس.....	۲۱
○ پرسش‌های درسی.....	۲۲
○ فعالیت پژوهشی.....	۲۲
○ منابع پژوهشی.....	۲۲

فصل دوم: علم اسباب نزول

درس دوم: کلیات علم اسباب نزول.....	۲۵
۱. مفهوم‌شناسی اسباب نزول.....	۲۵
۲. شناخت انواع اسباب نزول.....	۲۹
۳. شناخت اهمیت و جایگاه دانش اسباب نزول.....	۳۰
تحلیل اهمیت اسباب نزول و جایگاه آن.....	۳۳

نکته اول: انحصار نداشتن شناخت اسباب نزول به روایات.....	۳۳
نکته دوم: قلمرو معنایی تفسیر.....	۳۳
۴. شناخت پیشینه علم اسباب نزول.....	۳۴
۵. آشنایی با منابع اسباب نزول.....	۳۷
۱-۵. منابع تفسیری.....	۳۸
۲-۵. منابع علوم قرآنی.....	۳۹
○ خلاصه درس.....	۴۱
○ پرسش‌های درسی.....	۴۲
○ فعالیت پژوهشی.....	۴۲
○ منابع پژوهشی.....	۴۲

درس سوم: فواید و کاربردهای اسباب نزول	۴۳
۱. فواید تفسیری.....	۴۳
۱-۱. توضیح آیات و مفاهیم ناظر به سنت‌های مربوط به عصر نزول.....	۴۳
۱-۲. رفع شبهات ظاهری از آیات.....	۴۵
۱-۳. شناخت مبهمات قرآن.....	۴۸
۱-۴. برطرف ساختن اجمال از برخی آیات و مفاهیم قرآنی.....	۵۱
۲. فواید غیر تفسیری.....	۵۴
۲-۱. اسباب نزول و دانش وحی و نبوت.....	۵۴
۲-۲. اسباب نزول و دانش قرائات.....	۵۴
۲-۳. اسباب نزول و دانش اعجاز قرآن.....	۵۵
۲-۴. اسباب نزول و فواید تاریخی.....	۵۶
○ خلاصه درس.....	۵۷
○ پرسش‌های درسی.....	۵۸
○ فعالیت پژوهشی.....	۵۸
○ منابع پژوهشی.....	۵۸

درس چهارم: روش‌ها و معیارهای شناخت اسباب نزول	۵۹
۱. روش‌های شناخت اسباب نزول.....	۵۹
۱-۱. روش نقلی.....	۵۹
۱-۲. روش اجتهادی.....	۶۰
رویکرد سنتی مفسران قرآن‌گرا.....	۶۲
جمع‌بندی و نتیجه.....	۶۳
۲. معیارهای ارزیابی روایات و اخبار اسباب نزول.....	۶۴
۲-۱. معیار سندی.....	۶۶

۶۸	۲-۲. معیار محتوایی.
۶۸	۲-۲-۱. سازگاری با قرآن.
۶۹	۲-۲-۲. سازگاری با روایات معتبر.
۷۱	۲-۲-۳. سازگاری با شواهد تاریخی.
۷۱	۲-۲-۴. سازگاری با ادله و شواهد عقلی.
۷۳	○ خلاصه درس.
۷۳	○ پرسش‌های درسی.
۷۴	○ فعالیت پژوهشی.
۷۴	○ منابع پژوهشی.

۷۵	درس پنجم: قاعده اعتبار عموم لفظ
۷۵	۱. نگاهی به معنای قاعده اعتبار عموم لفظ و جایگاه علمی آن.
۷۶	۲. گزارش آراء و ادله قاعده اعتبار عموم لفظ.
۷۷	۲-۱. ادله نقلی.
۷۸	۲-۲. ادله عقلی تحلیلی.
۸۰	۳. استثناءها و چالش‌های قاعده اعتبار عموم لفظ.
۸۳	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.
۸۶	○ خلاصه درس.
۸۷	○ پرسش‌های درسی.
۸۷	○ فعالیت پژوهشی.
۸۷	○ منابع پژوهشی.

فصل سوم: علم مکی و مدنی

۹۱	درس ششم: کلیات علم مکی و مدنی
۹۱	۱. مفهوم‌شناسی مکی و مدنی.
۹۱	۱-۱. تعریف‌های مکی و مدنی.
۹۲	۱-۲. بررسی تعریف‌ها.
۹۳	۲. اهمیت و فواید علم مکی و مدنی.
۹۴	۲-۱. فواید و کاربردهای تفسیری.
۹۴	— شناخت آیات ناسخ و منسوخ.
۹۶	— تفسیر آیات فضائل و رذائل.
۹۸	۲-۲. فواید و کاربردهای غیر تفسیری.
۹۹	— فواید قرآن‌شناختی.

۹۹	 فواید تاریخی،
۱۰۰	 ۳. پیشینه علم مکی و مدنی
۱۰۱	 ۴. منابع علم مکی و مدنی
۱۰۲	 ۴-۱. منابع تفسیری
۱۰۲	 ۴-۲. منابع علوم قرآنی،
۱۰۳	 ○ خلاصه درس
۱۰۴	 ○ پرسش های درسی
۱۰۴	 ○ فعالیت پژوهشی
۱۰۵	 ○ منابع پژوهشی

۱۰۷	 درس هفتم: روش ها و معیارهای شناخت مکی و مدنی
۱۰۷	 ۱. روش های شناخت مکی و مدنی
۱۰۸	 ۱-۱. روش نقلی،
۱۱۰	 ۱-۲. روش اجتهادی،
۱۱۰	 ۲. نشانه ها و معیارهای مکی و مدنی
۱۱۱	 تحلیل و بررسی رویکرد روایی
۱۱۲	 - گزینش و ترجیح سندی روایات
۱۱۳	 - حمل بر تفاوت اصطلاح
۱۱۳	 - استثنای برخی آیات سوره
۱۱۴	 - نظریه تکرار نزول
۱۱۶	 - نظریه تفکیک حکم از نص
۱۱۶	 ۲-۲. رویکرد قرآن محور،
۱۱۷	 الف) نشانه ها و معیارهای صوری و ساختاری:
۱۱۷	 ب) نشانه ها و معیارهای محتوایی:
۱۲۰	 ○ خلاصه درس
۱۲۰	 ○ پرسش های درسی
۱۲۱	 ○ فعالیت پژوهشی
۱۲۱	 ○ منابع پژوهشی

فصل چهارم: علم محکم و متشابه

۱۲۵	 درس هشتم: کلیات علم محکم و متشابه
۱۲۵	 ۱. مفهوم شناسی محکم و متشابه
۱۲۵	 ۱-۱. بررسی لغوی واژه «محکم» و «متشابه»

۱۲۷	۱-۲. کاربرد قرآنی.
۱۲۹	۱-۳. کاربرد روایی.
۱۳۱	۱-۴. اصطلاح علمی.
۱۳۲	الف) ماهیت متشابه و محکم.
۱۳۴	ب) گستره مفهومی متشابه و محکم.
۱۳۵	بررسی و تحلیل
۱۳۶	۲. اهمیت و جایگاه علم محکم و متشابه
۱۳۸	۳. پیشینه علم محکم و متشابه
۱۴۰	۴. منابع علم محکم و متشابه.
۱۴۲	○ خلاصه درس
۱۴۳	○ پرسش‌های درسی
۱۴۳	○ فعالیت پژوهشی
۱۴۳	○ منابع پژوهشی

۱۴۵	درس نهم: تقسیم‌های محکم و متشابه
۱۴۵	۱. محکم و متشابه حقیقی و اضافی
۱۴۷	۲. محکم و متشابه اصلی و عرضی
۱۴۸	۳. محکم و متشابه مطلق و نسبی
۱۴۹	۴. محکم و متشابه فعلی و شأنی
۱۵۰	۵. محکم و متشابه عام و خاص
۱۵۱	۶. محکم و متشابه قطعی و ظنی
۱۵۳	○ خلاصه درس
۱۵۴	○ پرسش‌های درسی
۱۵۴	○ فعالیت پژوهشی
۱۵۴	○ منابع پژوهشی

۱۵۵	درس دهم: قلمرو محکّمات و متشابهات
۱۵۵	۱. رویکردهای سه‌گانه
۱۵۵	الف) رویکرد حداقلی.
۱۵۶	ب) رویکرد حداکثری.
۱۵۷	ج) رویکرد میانه.
۱۵۷	۲. قلمرو محکّمات
۱۵۸	۲-۱. اصول و کلیات اعتقادی،
۱۵۹	۲-۲. اصول و کلیات اخلاقی،
۱۵۹	۲-۳. اخبار و قصص عبرت‌آموز تاریخی،

۱۵۹	۲-۴. احکام و قواعد شرعی،
۱۶۲	۳. قلمرو متشابهات
۱۶۲	۳-۱. مسائل اعتقادی،
۱۶۲	الف) توحید و خداشناسی،
۱۶۲	ب) نبوت و پیامبرشناسی،
۱۶۲	ج) معاد و احوال غیبی،
۱۶۲	۳-۲. احکام و قواعد شرعی،
۱۶۲	الف) آیات احکام،
۱۶۴	ب) آیات فلسفه احکام،
۱۶۵	۳-۳. آیات ناهمگون و متناقض نما،
۱۶۶	۳-۴. حروف مقطعه،
۱۶۹	○ خلاصه درس
۱۶۹	○ پرسش‌های درسی
۱۷۰	○ فعالیت پژوهشی
۱۷۰	○ منابع پژوهشی

۱۷۱	درس یازدهم: تأویل متشابهات
۱۷۲	۱. مفهوم‌شناسی تأویل
۱۷۲	۱-۱. تأویل در لغت،
۱۷۳	۱-۲. تأویل در کاربرد قرآنی،
۱۷۳	۱-۳. تأویل در کاربرد روایی،
۱۷۵	۱-۴. تأویل در اصطلاح علمی،
۱۷۶	۲. بررسی نمونه‌هایی از تأویل روشمند متشابهات
۱۷۶	۲-۱. تأویل در آیات اعتقادی،
۱۸۱	۲-۲. تأویل در آیات احکام و قواعد شرعی،
۱۸۳	۲-۳. تأویل در آیات ناهمگون و متناقض نما،
۱۸۵	۲-۴. تأویل در حروف مقطعه،
۱۸۷	○ خلاصه درس
۱۸۸	○ پرسش‌های درسی
۱۸۸	○ فعالیت پژوهشی
۱۸۹	○ منابع پژوهشی

فصل پنجم: علم ناسخ و منسوخ

درس دوازدهم: کلیات علم ناسخ و منسوخ.....	۱۹۳
۱. مفهوم‌شناسی نسخ.....	۱۹۳
۲. اهمیت و جایگاه علم ناسخ و منسوخ.....	۱۹۸
۳. پیشینه علم ناسخ و منسوخ.....	۲۰۰
۴. منابع علم ناسخ و منسوخ.....	۲۰۲
○ خلاصه درس.....	۲۰۴
○ پرسش‌های درسی.....	۲۰۵
○ فعالیت پژوهشی.....	۲۰۵
○ منابع پژوهشی.....	۲۰۵
درس سیزدهم: انواع نسخ.....	۲۰۷
۱. انواع نسخ به لحاظ ماهیت نسخ.....	۲۰۷
۲. انواع نسخ به لحاظ منسوخ.....	۲۰۹
۳. انواع نسخ به لحاظ ناسخ.....	۲۱۱
○ خلاصه درس.....	۲۱۵
○ پرسش‌های درسی.....	۲۱۵
○ فعالیت پژوهشی.....	۲۱۶
○ منابع پژوهشی.....	۲۱۶
درس چهاردهم: نمونه‌هایی از آیات ناسخ و منسوخ.....	۲۱۷
۱. دامنه نسخ در قرآن.....	۲۱۷
۲. نمونه‌هایی از نسخ مطلق.....	۲۱۸
۲-۱. آیه نجوی با پیامبر ﷺ.....	۲۱۹
۲-۲. آیه توارث براساس ایمان.....	۲۲۰
۲-۳. آیه جزای فاحشه.....	۲۲۰
۳. نمونه‌هایی از نسخ مشروط.....	۲۲۱
۳-۱. آیات معاهده با مشرکان.....	۲۲۱
۳-۲. آیات عفو و صفح از کافران.....	۲۲۳
۳-۳. آیه عدد مقاتلین.....	۲۲۴
○ خلاصه درس.....	۲۲۵
○ پرسش‌های درسی.....	۲۲۵

- فعالیت پژوهشی ۲۲۶
- منابع پژوهشی ۲۲۶

منابع و مآخذ ۲۲۷

نمایه‌ها

- نمایه آیات ۲۳۷
- نمایه روایات ۲۴۰
- نمایه موضوعات ۲۴۲

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى

آنچه امروزه به عنوان علوم قرآنی در نظام آموزش عالی ما مطرح است، در واقع شاخه‌ای است مهم از رشته الهیات که در بینش دینی دانشجویان نقشی اساسی دارد. اهمیت ویژه مطالعات علوم قرآنی همچون دیگر مطالعات دینی از آن روی است که افزون بر آشنایی با سنت گذشته دانشمندان اسلامی، ما را برای شناخت بیشتر معارف قرآنی و دینی و پاسخگویی به پرسش‌ها، نیازها و شبهه‌های روز آماده می‌کند و از گرایش‌های ناهمخوان با سنت دینی پرهیز می‌دهد.

کتاب حاضر با هدف کلی آشنایی تحلیلی با چهار مبحث مهم علوم قرآنی: اسباب نزول، مکی و مدنی، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ نگاشته شده است. رویکرد درسی آموزشی این کتاب برای برآوردن نیاز دانشجویان مقطع کارشناسی و طلاب سطح دو بوده است. بی‌شک اهمیت علوم قرآنی در شناخت گرامی‌نامه الهی قرآن کریم و ابعاد تاریخی معرفتی آن، به‌ویژه در نظام آموزش دانشگاهی و حوزوی ما درخور توجه بوده و اهتمام بالایی محققان ارجمند را در این حوزه باعث شده است. نویسنده این کتاب ضمن احترام به عموم استادان و نویسندگانی که در این عرصه قلم زده‌اند، در حد امکان کوشیده تا اثری نو با رعایت اصول پژوهش‌بنگارد که خواننده را به تفکر و تحقیق در موضوعات کتاب ترغیب کند. به‌زعم نگارنده، در این اثر ضمن بهره‌گیری از منابع گذشته و ارجاع لازم به آنها، طرحی تازه از موضوعات علوم قرآنی با رویکرد پژوهشی دنبال شده است. در این کتاب به جای ارائه متنی درسی بسان درسنامه‌های عمومی و

ساده، الگویی پژوهش‌گرا منظور بوده و طیفی از مخاطبان با آمادگی‌های ذهنی و ظرفیت‌ها و نیازهای معرفتی متفاوت در مطالعات علوم قرآنی مدنظر قرار گرفته‌اند. نویسنده معتقد است در سطح تحصیلات دانشگاهی توجه به این تفاوت ظرفیت‌ها بایسته است و در واقع، مدیریت درس با تکیه بر متن درسی و رعایت زمینه‌های مخاطب به عهده‌ی مدرّس می‌باشد. از این رو از استادان گرامی انتظار می‌رود برای نتیجه‌بخشی رویکرد پژوهشی کتاب، بر ارجاع‌های متن و فعالیت‌های پژوهشی پایان درس‌ها متناسب با ظرفیت دانشجویان توجه جدی داشته و دانشجویان عزیز را در تعمیق مباحث همراهی کنند. از دانشجویان و خوانندگان فهیم نیز توقع می‌رود با حوصله‌ی بیشتر، اهداف متعالی رشته‌ی علوم قرآنی را در تحصیلات خود مدنظر داشته و آموزش‌های رایج این رشته را مقدمه و سرنخی برای عرصه‌ی گسترده‌تری از آگاهی‌های قرآنی و دینی بدانند. در این کتاب سعی شده است ضمن توجه به اهداف شناختی مورد انتظار در سطح کارشناسی، زمینه‌هایی هرچند محدود برای رشد و بالندگی فکری مخاطب در مسائل علوم قرآنی فراهم شود. همچنین منابع پژوهش در پایان هر درس به صورتی کلی درج شده و دانشجویان گرامی باید با فنون مراجعه و استفاده از هر منبع به‌ویژه در نرم‌افزارهای مورد نظر آشنا باشند. برای نویسنده تجربه‌های عالمانه استادان بزرگوار در طی مطالعه و تدریس و دریافت بازخورد آن در میان دانشجویان، برای اصلاح اثر در آینده مفید و مغتنم است و نویسنده پیشاپیش از لطف عزیزان در این باره استقبال می‌کند.

از مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور که سفارش‌دهنده این اثر و حامی آن بوده‌اند، تشکر می‌کنم. همچنین از استادانی که در تهیه و ارزیابی آن نگارنده را یاری داده‌اند، به‌ویژه از ناظر محترم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مؤدب، مراتب تقدیر و امتنان را دارم.



کلیات علوم قرآنی ۳

- کلیاتی در شناخت علوم قرآنی ۳

درس اول

کلیاتی در شناخت علوم قرآنی ۳

اهداف آموزشی:

- شناخت کلی علوم قرآنی ۳ و اهمیت آن در اندیشه اسلامی؛
- آشنایی با تاریخ و پیشینه علوم قرآنی؛
- آشنایی با رده‌بندی‌های علوم قرآنی و جایگاه علوم قرآنی ۳؛
- شناخت ماهیت علمی علوم قرآنی ۳.

۱. علوم قرآنی ۳ و اهمیت آن در اندیشه اسلامی

از علوم قرآنی تعریف‌های متنوعی به دست داده شده که دو تعریف ذیل شهرت بسیاری دارند:^۱ در تعریف نخست، این علوم به علوم ابزاری تعریف می‌شوند که در فهم قرآن دخیل‌اند. در تعریف دوم نیز این علوم شامل مجموعه مسائلی دانسته می‌شوند که پیرامون قرآن بحث می‌کنند، اعم از آنکه در فهم آن دخیل باشند، یا اطلاعاتی تاریخی و محتوایی درباره قرآن و احوال و عوارض اختصاصی آن به ما بدهند. به نظر می‌رسد با توجه به عملکرد عالمان برجسته علوم قرآنی، تعریف دوم پذیرفته‌تر است. با این حال فصل‌های علوم قرآنی این کتاب با هر دو تعریف سازگارند. درس علوم قرآنی ۳ در ساختار مورد نظر به چهار سرفصل اصلی از دانش‌های قرآنی

۱. ر.ک: زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۱-۳۳؛ زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۳؛ معرفت، علوم قرآنی، ص ۹؛ در این باره همچنین ر.ک: صالحی کرمانی، درآمدی بر علوم قرآنی، ص ۱۸؛ دیاری، درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی، ص ۳.

می‌پردازد: علم اسباب نزول؛ علم مکی و مدنی؛ علم محکم و متشابه و علم ناسخ و منسوخ. علوم قرآنی عموماً از منظر قرآن‌شناسی و شناخت ابعاد مختلف تاریخی، لفظی و محتوایی قرآن دارای اهمیت است؛ اما نقش و اهمیت خاص این چهار علم را می‌توان در نسبت آنها با دانش فهم و تفسیر قرآن دنبال کرد. ویژگی چهار دانش قرآنی مورد بحث آن است که مستقیم یا غیر مستقیم در مرحله فهم و تفسیر آیات قرآن به کار می‌آیند؛ واقعیت این است که هر یک از این دانش‌ها، نقش و اهمیت بالایی در تفسیر داشته و دامنه موفقیت مفسر قرآن، به میزان توانمندی و آگاهی علمی او از این علوم وابسته است؛ چنان‌که بسیاری از ضعف و آسیب‌های تفسیری در نداشتن آگاهی لازم از این علوم ریشه دارند. در سیره پیشوایان دین بر اهمیت این دانش‌ها تأکید ویژه شده است. برای مثال، در روایتی جامع از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که ایشان پس از بیان ریشه انحراف مخالفان اهل بیت (علیهم السلام)، از جمله در خلط میان محکم و متشابه و نیز ناسخ و منسوخ، عالمان قرآن را نیازمند شناخت درست دانش‌های گوناگونی از جمله ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و مکی و مدنی و اسباب تنزیل و... شمرده‌اند.^۱

به گواهی منابع علوم قرآنی، عنوان‌های یاد شده در شمار نخستین و پربحث‌ترین موضوعات علوم قرآنی بوده و به گونه‌های مختلفی توجه محققان را به خود جلب کرده‌اند؛ برخی به طور مستقل به این عنوان‌ها پرداخته و برخی نیز در کنار دیگر مباحث علوم قرآنی از این عناوین بحث کرده‌اند. همچنین تفسیرهای قرآن به خصوص مقدمات آنها و نیز جوامع حدیثی منابع ارزشمندی برای جستجوی این مباحث به صورت ضمنی‌اند. افزون بر این منابع، مباحث علم محکم و متشابه در منابع علم کلام و مباحث علم ناسخ و منسوخ، در منابع اصول فقه نیز درخور مراجعه‌اند.^۲

۱. در بخشی از این روایت طولانی چنین می‌خوانیم: «... أَنَّهُمْ ضَرَبُوا بَعْضَ الْقُرْآنِ بَعْضَ الْمُنْسُوكِ وَ هُم يَظُنُّونَ أَنَّهُ النَّاسِخُ وَ احْتَجُّوا بِالْمُتَشَابِهِ وَ هُم يَرَوْنَ أَنَّهُ الْمُحْكَمُ وَ احْتَجُّوا بِالْخَاصِّ وَ هُم يَقْدُرُونَ أَنَّهُ الْعَامُ وَ احْتَجُّوا بِأَوَّلِ الْآيَةِ وَ تَرَكُوا السَّبَبَ فِي تَأْوِيلِهَا وَ لَمْ يَنْظُرُوا إِلَى مَا يَفْتَحُ الْكَلَامَ وَ إِلَى مَا يَخْتِمُهُ وَ لَمْ يَعْرِفُوا مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ إِذْ لَمْ يَأْخُذُوهُ عَنْ أَهْلِهِ فَضْلُهَا وَ أَضْلَوْا. وَ اعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ، أَنَّهُ مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ النَّاسِخَ مِنَ الْمُنْسُوكِ وَ الْخَاصَّ مِنَ الْعَامِ وَ الْمُحْكَمَ مِنَ الْمُتَشَابِهِ وَ الرِّخْصَ مِنَ الْعَزَائِمِ وَ الْمَكِّيَّ مِنَ الْمَدَنِيِّ وَ أَسْبَابَ التَّنْزِيلِ ... فَلَيْسَ بِعَالِمٍ بِالْقُرْآنِ وَ لَا هُوَ مِنْ أَهْلِهِ»؛ این روایت در مصادر روایی شیعی در اثری معروف به تفسیر نعمانی، منسوب به ابوعبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی (د. ۳۶۰ ق) از سوی علامه مجلسی گزارش شده است. (ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۴) همچنین متن این اثر در کتابی با نام رساله المحکم و المتشابه، منسوب به سیدمرتضی، ص ۵ نیز به چاپ رسیده است.

۲. در این باره در فصل مربوط به هر عنوان بیشتر سخن خواهیم گفت.

۲. تاریخ و پیشینه علوم قرآنی

برای شناخت جایگاه و ماهیت علوم یاد شده، لازم است نخست نیم‌نگاهی به تاریخ علوم اسلامی انداخته، سپس به رده‌بندی‌های علوم قرآنی در نظام علوم اسلامی اشاره کنیم. مسلمانان در عصر نبوی آگاهی‌های قرآنی خود را افزون بر متن قرآن از توضیحات شفاهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درمی‌یافتند؛ گو اینکه کاتبان قرآن و سنت در این باره نقش ویژه‌ای داشتند. البته درباره کتابت سنت در عصر نبوی، روایات منابع اهل سنت، با پاره‌ای اختلاف‌ها و ناهمگونی‌ها همراه‌اند؛ در کنار روایاتی که به کتابت حدیث دعوت کرده‌اند، برخی روایات بیانگر نهی از کتابت نیز گزارش شده‌اند که محققان اهل سنت از گذشته تاکنون بدان توجه کرده و تحلیل‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند.^۱ پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، جریان منع حدیث و کتابت آن در میان جماعتی از صحابه، تحت فشار دستگاه خلافت، تا پایان قرن نخست هجری، مانعی جدی در برابر ثبت و تدوین دانش‌های اسلامی از جمله علوم قرآنی بود،^۲ اما با توجه به ضرورت ثبت و تدوین سنت نبوی و توصیه‌های بسیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر ثبت دانش با کتابت آن،^۳ جمعی دیگر از صحابه، به‌ویژه در مکتب اهل بیت علیهم السلام بر نقل و کتابت حدیث به‌عنوان منبع مهم علوم اسلامی اعتنائی ویژه داشتند که نخستین حرکت‌های مبارک در زمینه تدوین علوم قرآنی از سوی ایشان آغاز شد. جمع قرآن از سوی امام علی علیه السلام که براساس گزارش‌های تاریخی، به متن آیات اختصاص نداشت و اطلاعات فراوان علوم قرآنی نیز ضمیمه آن بود، نخستین و مهم‌ترین آثار این حرکت‌ها شمرده می‌شود. گزارشی از ابن سیرین (د. ۱۱۰ق) درباره مصحف امام علی علیه السلام

۱. در این باره ر.ک: اسعدی، جریان‌شناسی تفسیر قرآن گرا، ص ۱۰۰.

۲. ماجرای منع از کتابت حدیث در میان نویسندگان اهل سنت با تحلیل‌های گوناگونی همراه است؛ عالمان اهل سنت معمولاً ضمن دفاع از اصل این ماجرا، همگون با نویسندگان پیشین اهل حدیث، (ابن حجر، فتح الباری، ج ۱، ص ۱۴۶؛ سیوطی، تدریب الراوی، ص ۱۵۰-۱۵۱؛ ابن الأثیر، النهایة فی غریب الحدیث، ج ۴، ص ۱۴۸) سعی در جمع میان روایات نهی از کتابت حدیث و روایات دعوت به کتابت حدیث دارند. در میان معاصران، برخی چون محمد مصطفی اعظمی این ماجرا را رویکردی خاص در مقطعی محدود تلقی کرده و ضمن نقد سندی روایات منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله در منع از کتابت حدیث از توجیهاتی یاد کرده‌اند (اعظمی، دراسات فی الحدیث النبوی، ج ۱، ص ۷۱-۸۳؛ نیز ر.ک: عبدالغنی عبدالخالق، حجة السنة، ص ۴۲۶). نیز بنگرید: حقی، علوم القرآن من خلال مقدمات التفاسیر، ج ۱، ص ۷۹-۸۹؛ اما نویسندگان شیعه غالباً از این ماجرا تحلیلی سیاسی داشته و آن را با اهداف سیاسی مکتب خلافت همسو می‌بینند. ر.ک: حسینی جلالی، تدوین السنة الشریفة، ص ۴۷۸.

۳. ر.ک: ابن عبدالبر، جامع بیان العلم و فضله، ج ۱، ص ۷۲؛ در این باره ر.ک: حقی، همان، ص ۷۷-۸۶.

نقل شده که وی مصحف مزبور را در بردارنده دانش فراوان معرفی می‌کند.^۱ در همین راستا، ابوالاسود دؤنلی، از شاگردان امام علی (علیه السلام) به راهنمایی و دستور آن حضرت علم اعراب قرآن را تأسیس و با وضع نقطه‌هایی قرآن را اعراب‌گذاری کرد.^۲

به تدریج با گسترش مرزهای جامعه اسلامی و گذشت زمان و نیازهای علمی نسل جدید و خطر تحریف قرآن و معارف قرآنی، تدوین علوم قرآنی از سوی برخی دیگر از صحابه و تابعان و دیگر دانشمندان اسلامی به صورت پراکنده دنبال شد؛

البته علوم قرآنی در گذشته همچون دیگر دانش‌ها به دلیل آنکه چندان توسعه نیافته بودند، بیشتر به صورت بسیط و تک‌نگاشت تدوین می‌شدند و نویسندگان دغدغه‌ای نسبت به رده‌بندی خاصی در آنها نداشتند. ابن ندیم در گزارشی از سه قرن نخست تاریخ اسلام از ده‌ها کتاب در موضوعات متنوع تفسیری و علوم قرآنی، چون اسباب نزول، غرائب، لغات، قرائات، نقطه‌گذاری و شکل، وقف و ابتدا، متشابهات، فضائل، عدد آیات و ناسخ و منسوخ قرآن یاد کرده است، بی‌آنکه تعریف خاصی از علوم قرآنی به دست دهد و از رده‌بندی و ضابطه خاصی در انواع این علوم و نسبت آنها با یکدیگر در ذیل علوم قرآنی سخن بگوید.^۳

در کنار این تک‌نگاره‌ها، برخی آثار نیز از حدود نیمه قرن سوم به این‌سو، به جمع‌آوری موضوعات علوم قرآنی اهتمام داشته و با عنوان خاص «علوم قرآن»، یا عناوین دیگر گزارش شده‌اند. از کهن‌ترین آثاری که با این رویکرد شامل جمعی از موضوعات علوم قرآنی است، کتاب حارث بن اسد محاسبی (د. ۲۴۳ق) با عنوان فهم القرآن،^۴ و التنبیه علی فضل علوم القرآن، اثر ابوالقاسم محمد بن حبیب نيسابوری (د. ۲۴۵ق).^۵ پس از وی با عنوان «علوم قرآن»

۱. ابن‌ابی‌داوود، المصاحف، ص ۱۰؛ و ابن‌ابی‌شیه، المصنف، ج ۱۰، ص ۵۴۵؛ و ابن‌الضریس، فضائل القرآن، ص ۷۶؛ و سیوطی، الإتقان، ج ۱ ص ۱۶۶، در این باره بنگرید: حقی، همان، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۲. ابن‌ندیم، الفهرست، ص ۵۹-۶۰؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۸۱-۸۳.

۳. ابن‌ندیم، همان، ص ۵۰-۵۷، ذیل فن ثالث از مقاله اولی.

۴. فاروق حماده، مدخل فی علوم القرآن و التفسیر، ص ۱۰؛ حقی، علوم القرآن من خلال مقدمات التفسیر، ج ۱، ص ۱۵۱ و ۱۶۱. کتاب محاسبی همراه با کتاب دیگرش با عنوان العقل، به تحقیق حسین القوتلی با عنوان العقل و فهم القرآن به چاپ رسیده است (از جمله چاپ دوم کتاب در سال ۱۳۹۸ق، در دارالکندی و دارالفکر انجام گرفته است).

۵. ر. ک: حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۸۹؛ کحاله، معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۱۷۵. به گزارش برخی محققان، این کتاب با عنوان کتاب التنزیل و ترتیبه، در منابع دیگر آمده و تصویری از آن در

آثار دیگری گزارش شده‌اند؛ از آن جمله: الحاوی فی علوم القرآن، اثر محمد بن خلف بن مرزبان (د. ۳۰۹ق)؛^۱ عجائب علوم القرآن، اثر منسوب به محمد بن قاسم الانباری (د. ۳۲۸ق)؛^۲ المختزن فی علوم القرآن، اثر ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (د. ۳۲۴ق)؛^۳ الشامل فی علم القرآن، اثر ابوبکر بن محمد بن یحیی صولی (د. ۳۳۵ق)،^۴ الاستغناء فی علوم القرآن، اثر محمد بن علی ادفوی (د. ۳۸۸ق).^۵

گویا اصطلاح علوم قرآنی در این دوره که در عنوان برخی کتاب‌ها گزارش شده، گستره‌ای عام، شامل عموم دانش‌های مرتبط با قرآن، اعم از علوم ابزاری مانند اعراب و بلاغت و علوم تاریخی مانند جمع و کتابت قرآن و تاریخ نزول و احوال مختلف آن، یا علوم تفسیری قرآن شامل مباحث نظری، مانند طبقات مفسران و شرط‌ها و قواعد تفسیر و مباحث عملی مربوط به فهم و تفسیر محتوای قرآن، اعم از گونه‌هایی چون مفردات و قصص و سوگندها و امثال، یا متن آیات را دربر داشته است.^۶

مخطوطات الجامعة الاسلامیه، مدینه منوره، رقم ۹۶۹ بخش علوم قرآن، موجود است که موضوع آن علوم قرآن همچون مکی و مدنی و نزول قرآن و جهات و ابعاد آن است (ر.ک: احسن محمد اشرف الدین، تاریخ علوم القرآن، ص ۱۳).

۱. ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۲۸ و ۲۱۴؛ داوودی، طبقات المفسرین، ج ۲، ص ۱۴۶.
۲. سیداحمد خلیل، نشأة التفسیر فی الکتب المقدسة و القرآن، ص ۴۵-۴۶؛ احسن محمد اشرف الدین، تاریخ علوم القرآن، ص ۱۵-۱۶؛ صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۲۲؛ ابن جوزی، فنون الأثنان - مقدمة دکتر حسن ضیاء الدین عتر، محقق کتاب، ص ۷۳؛ گفتنی است که برخی محققان در انتساب این کتاب مناقشه دارند. ر.ک: حقی، علوم القرآن من خلال مقدمات التفاسیر، ج ۱، ص ۱۵۶.
۳. ر.ک: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۴۶؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۸۸؛ داوودی، طبقات المفسرین، ج ۱، ص ۳۹۸؛ محققان این کتاب را با عنوان الخازن و نیز: تفسیر القرآن و الرد علی من حالف الافک و البهتان، معرفی کرده‌اند (ر.ک: زررور، الحاکم الجشمی و منهجه فی التفسیر، ص ۱۳۳ و ۱۶۴).
۴. ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۱۵؛ زرکلی، الاعلام، ج ۷، ص ۱۳۶.
۵. ر.ک: داوودی، طبقات المفسرین، ج ۲، ص ۱۹۷. داودی این کتاب را تفسیری در ۱۲۰ جلد معرفی کرده است. نیز ر.ک: حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۴۰.
۶. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ دیاری، درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی، ص ۳-۴. البته این اصطلاح عام از اصطلاح عام‌تری که از علوم قرآن در میان برخی متقدمان مطرح شده و به طبقه‌بندی موضوعات قرآن اختصاص دارد، متفاوت است. زرکشی در فصلی از کتاب خود، از جمعی از عالمان گذشته همچون ابوبکر ابن عربی (د. ۵۴۴ق) و ابوالحکم ابن برجان (د. ۶۲۷ق) یاد می‌کند که «علوم قرآن» را به گستره تمام دانش‌های موجود در قرآن تعریف کرده و از نامتناهی بودن آن سخن گفته‌اند (ر.ک:

کاربرد «علوم قرآن» در آثار کهنی که رویکرد غالب آنها تفسیری است، مانند المختزن فی علوم القرآن، اثر ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (د. ۳۲۴ق)^۱ و البرهان فی علوم القرآن، اثر علی بن ابراهیم بن سعید حوفی (د. ۴۳۰ق)^۲ و مجمع البیان فی علوم القرآن، اثر فضل بن حسن طبرسی (د. ۵۴۸ق) از آثار همین نگرش عام هستند.

در کنار این منابع می‌توان از دو دسته دیگر از آثار محققان اسلامی یاد کرد که به‌گونه‌ای ضمنی شامل مباحث علوم قرآنی هستند؛ نخست، آثار حدیثی و دوم آثار تفسیری. از جوامع حدیثی می‌توان به صحیح بخاری (د. ۲۵۶ق) و الکافی کلینی (د. ۳۲۹ق) اشاره کرد. بخاری در کتاب فضائل القرآن در جامع حدیثی‌اش به ۳۷ نوع از علوم قرآنی با رویکرد حدیثی پرداخته است. مرحوم کلینی نیز در الکافی، کتاب فضل القرآن را در سیزده باب، با برخی موضوعات علوم قرآنی سامان داده است. همچنین پیشینه منابع تفسیری مشتمل بر علوم قرآنی به آغاز قرن سوم با تفسیر القرآن العزیز، اثر ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی (د. ۲۱۱ق) و سپس تفسیر طبری (د. ۳۱۰ق) با نام جامع البیان می‌رسد.^۳

اما در آثار پسین‌تر، تقریباً از پایان قرن ششم به این سو، جز بخش‌هایی از مباحث تفسیری در موضوعاتی خاص مانند امثال و سوگندها و فواتح سوره‌ها، آثار جامع علوم قرآنی از مباحث تفسیری مربوط به فهم و تفسیر آیات تفکیک شده‌اند؛ گو اینکه نگارش تفسیرهایی مشتمل بر

زرکشی، البرهان، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۴؛ نیز ر.ک: شاطبی، الموافقات، ج ۳، ص ۲۲۵؛ نیز ر.ک: احسن محمد اشرف الدین، تاریخ علوم القرآن، ص ۴-۸.

۱. درباره این کتاب ر.ک: سزگین فواد، تاریخ التراث العربی، قسم ۴، ج ۱، ص ۳۹؛ نیز ر.ک: مهدوی‌راد، سیر نگارش‌های علوم قرآنی، ص ۴۲.

۲. ر.ک: صاوی جوینی، اعلام الدراسات القرآنیة، ص ۱۴۹-۱۵۲؛ دیاری، درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی، ص ۲۷؛ گفتنی است که زرقانی کتاب حوفی را به‌عنوان کهن‌ترین منبعی علوم قرآنی به معنای خاص تلقی کرده است، در حالی که به گزارش خود او که بخشی از نسخه‌های آن را دیده، این کتاب به سیاق تفسیر مجمع البیان، رویکردی تفسیری دارد که در ذیل هر آیه مباحث علوم قرآنی را نیز درج کرده است. (ر.ک: زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۷-۲۸). داودی نیز کتاب وی را البرهان فی تفسیر القرآن ذکر کرده است (داوودی، طبقات المفسرین، ج ۱، ص ۳۸۸).

۳. در این باره دو کتاب ارزشمند به جمع‌آوری مباحث علوم قرآنی با تکیه بر منابع تفسیری اختصاص یافته‌اند: یکی، علوم القرآن عند المفسرین، اثر جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن که در سال ۱۴۱۷ق، در سه جلد در قم به چاپ رسیده و دیگری، علوم القرآن من خلال مقدمات التفاسیر، اثر محمد صفاء شیخ ابراهیم حقّی که در سال ۱۴۲۵ق، در دو جلد در بیروت انتشار یافته است.

برخی علوم قرآنی همچنان پرونق بوده است. دو نمونه شناخته شده و در دسترس از نخستین آثاری که عنوان علوم قرآن را در اصطلاح خاص متأخر به کار برده‌اند، عبارت‌اند از: فنون الافنان فی عجائب علوم القرآن، اثر ابن الجوزی (د. ۵۹۷ق)^۱ و المرشد الوجیز فی علوم تتعلق بالقرآن العزیز، اثر ابوشامه مقدسی (د. ۶۶۵ق). اما دو نمونه برجسته‌تر و جامع‌تر از آثاری که امروزه مرجع عالمان این رشته به شمار می‌آیند، عبارت‌اند از: البرهان، اثر بدرالدین زرکشی (د. ۷۹۴ق) و الاتقان، اثر جلال‌الدین سیوطی (د. ۹۱۱ق). زرکشی از ۴۷ نوع از انواع علوم قرآن به‌طور مبسوط بحث می‌کند و آنها را مقدمات تفسیر قرآن می‌شمارد.^۲ سیوطی نیز نخست در التحبیر فی علم التفسیر، با الهام از جلال‌الدین بلقینی (د. ۸۲۴ق) در کتاب مفقود مواقع العلوم من مواقع النجوم، مباحث علوم قرآنی را در ۱۵۲ نوع به‌عنوان دانش‌های مربوط به علم تفسیر، به اجمال به بحث می‌گذارد،^۳ سپس در الاتقان با انگیزه تنقیح و تبویب جدید همراه با بسط و تفصیل مطالب، از هشتاد نوع از علوم قرآن به‌عنوان مقدمه تفسیر موعود خود با عنوان مجمع البحرین و مطلع البدرین یاد می‌کند.^۴

از قرن هشتم به این‌سو اصطلاح دیگری با عنوان «اصول التفسیر» در آثار نویسندگان علوم قرآنی دیده می‌شود که نسبت به‌عنوان «علوم قرآن» اخص بوده و شامل بخشی از دانش‌های قرآنی مربوط به خصوص دانش تفسیر و قواعد و مکاتب تفسیری است. از جمله می‌توان به کتاب ابن تیمیه (د. ۷۲۸ق)، با نام مقدمة فی أصول التفسیر و کتاب ولی الله دهلوی (د. ۱۱۷۶ق) با نام الفوز الکبیر فی اصول التفسیر اشاره کرد.

۳. رده‌بندی‌های علوم قرآنی و جایگاه علوم قرآنی ۳

گذشته از تعریف عام یا خاص علوم قرآنی و نسبت آن با علومی چون تفسیر قرآن، درباره نظام مسائل علوم قرآنی و رده‌بندی آنها، مشکلی که در عموم آثار از گذشته تاکنون دیده می‌شود، آن

۱. البته ابن الجوزی کتاب تفسیری با عنوان المغنی فی علوم القرآن نیز که جامع‌تر از زادالمسیر او بوده، داشته است. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۶۲؛ نیز ر.ک: احسن محمد اشرف الدین، تاریخ علوم القرآن، ص ۱۲.

۲. زرکشی، البرهان، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۴.

۳. سیوطی، التحبیر، ص ۲۵-۳۰.

۴. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۴۸.

است که این آثار، بیشتر فاقد نظام منطقی و ضابطه‌مند بوده و دانش‌های ذیل علوم قرآنی به صورت منطقی و در چارچوب علمی خاصی طرح‌ریزی نشده‌اند. در واقع دانشمندان اسلامی، علوم قرآنی را نه یک دانش با حدود و ثغور خاص، بلکه مجموعه‌ای از دانش‌های قرآنی دانسته‌اند که در سیر مطالعات قرآنی آگاهی از آنها پیش از ورود به فهم و تفسیر قرآن اهمیت دارد. گویا وجه مشترک این علوم تنها داشتن تعلق و نسبتی با قرآن بوده که در عین استقلال علمی، در کنار هم گرد آمده‌اند. از این‌رو، ضرورتی برای نظام‌یابی و رده‌بندی آنها وجود نداشته است. البته در برخی آثار گذشته می‌توان چینش نسبتاً منظمی دید که در ظاهر مبنای آثار بعدی واقع شده است. در این مجال گزارشی از رده‌بندی‌های گذشتگان و معاصران بیان شده و تحلیل و بررسی می‌شود.

الف) رده‌بندی‌های پیشینان

آثار علوم قرآنی از سده‌های نخست با فهرستی از این علوم شکل گرفته که البته به نظام منطقی خاصی تکیه نداشته‌اند.^۱ این وضعیت تا سده‌های میانی که کتاب‌های جامعی در علوم قرآن نگاشته شدند همچنان دیده می‌شود. برای نمونه بدرالدین زرکشی (د. ۷۹۴ق) به‌طور مبسوط از ۴۷ نوع از انواع علوم قرآنی سخن گفته است.^۲ جلال‌الدین بلقینی (د. ۸۲۴ق) نیز در کتاب مفقودشده‌اش، -مواقع العلوم من مواقع النجوم- با نظم درخور توجه‌تری شش مبحث کلی را طرح کرده و در ذیل آنها از پنجاه نوع از انواع علوم قرآنی بدین شرح یاد می‌کند:

مبحث اول: در مواطن نزول و اوقات و وقایع آن، شامل دوازده نوع (مکی، مدنی، سفری، حضری، لیلی، نهاری، صیفی، شتائی، فراشی، اسباب نزول، اول ما نزل و آخر ما نزل)؛

مبحث دوم: در سند قرآن، شامل شش نوع (متواتر، آحاد، شاذ، قرائات پیامبر ﷺ، روات و حفاظ)؛

مبحث سوم: در ادای قرآن، شامل شش نوع (وقف، ابتدا، اماله، مدّ، تخفیف همزه و ادغام)؛

مبحث چهارم: در الفاظ قرآن، شامل هفت نوع (غریب، معرب، مجاز، مشترک، مترادف، استعاره و تشبیه)؛

۱. ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۵۰-۵۷.

۲. ر.ک: زرکشی، البرهان، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۴.

مبحث پنجم: در معانی و مطالب متعلق به احکام قرآن، شامل چهارده نوع (عام باقی بر عموم، عام مخصوص، عامی که اراده خاص شده، عامی که سنت را تخصیص زده، سنتی که عام کتاب را تخصیص زده، مجمل، مبین، مؤول، مفهوم، مطلق، مقید، ناسخ، منسوخ و نسخ موقت)؛ **مبحث ششم:** معانی و مطالب متعلق به الفاظ قرآن، شامل پنج نوع (فصل، وصل، ایجاز، اطناب و قصر).

همچنین وی انواع متفرقه دیگری را نیز درباره اسما و کنیه‌ها و القاب و مبهمات قرآن یاد کرده و آنها را بی‌شمار دانسته است.^۱

دانشمند معاصر او جلال‌الدین سیوطی نیز در التحبیر و سپس در الاتقان، با الهام از وی به سامان دادن جامع‌تری از علوم قرآنی دست زده و انواع آن را تا هشتاد نوع بسط داده است. با این حال، این بخش‌بندی‌ها نیز نظام خاصی ندارند که گویای ارتباط منطقی این علوم با یکدیگر بوده و به ملاک‌های روشنی تکیه زنند.

ب) رده‌بندی‌های معاصران

از محققان معاصر، دکتر صبحی صالح، ذیل مباحث فی علوم القرآن، از یک سو، در عنوان کتاب، گویا به تعریفی کلی از علوم قرآنی وفادار است، اما از سوی دیگر، باب سوم کتاب را با عنوان خاص «علوم القرآن» به هفت سرفصل مهم علوم قرآنی رایج با عناوین: اسباب نزول، مکی و مدنی، فواتح سور، قرائات، ناسخ و منسوخ، رسم القرآن و محکم و متشابه اختصاص داده است. البته وی باب چهارم را نیز که به تفسیر و اعجاز اختصاص دارد، در ذیل همان علوم قرآن شمرده که به دلیل اهمیت ویژه، جدا شده است.^۲ اما باب اول و دوم را تحت عنوان «قرآن و وحی» و «تاریخ قرآن»، جدا از باب «علوم قرآن» و به گونه‌ای مستقل آورده است.

نکته شایان گفتن در این رده‌بندی نیز ابهامی است که در انتخاب فصل‌ها و ابواب کتاب دیده می‌شود؛ مباحث وحی و نزول بی‌تردید در ذیل علوم قرآنی می‌گنجد و وجهی برای تفکیک آنها در باب اول به نظر نمی‌رسد؛ جز آنکه گفته شود مراد وی از علوم قرآن به معنای خاص در باب سوم، دانش‌های دخیل در کار فهم و تفسیر است. اما بر همین اساس نیز فصل

۱. به نقل از زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۹-۳۰.

۲. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۷.

هفتم از فصل‌های این باب با عنوان «علم الرسم القرآنی»، از علوم قرآن به این معنا بیگانه بوده و با مباحث باب دوم پیوند دارد.^۱

به نظر می‌رسد نویسندگان به نظام خاصی در کلیت علوم قرآنی وفادار نبوده و بیشتر به اهمیت و بحث‌انگیزی این علوم در عصر خود نظر داشته است.

از دیگر محققان معاصر، علامه سید محمدحسین طباطبایی، از علوم مرتبط با قرآن به معنایی عام، دسته‌بندی سه‌گانه‌ای دارد که تنها دسته دوم با رده‌بندی علوم قرآنی در اصطلاح رایج مرتبط است؛ دسته نخست علومیه هستند که قرآن به آموختن آنها دعوت کرده است. این علوم شامل همه دانش‌های طبیعی، تجربی و انسانی اند که برای جامعه مفید بوده و به سعادت انسان‌ها کمک می‌کنند؛ دسته دوم علوم خاص به قرآن مجید هستند که موضوع بحث آنها خود قرآن است. این علوم برخی به الفاظ قرآن و برخی به معانی آن می‌پردازند. علوم قرآنی مربوط به الفاظ، مانند فنون تجوید، قرائت، عدد سوره‌ها و آیات و رسم الخط، و علوم مربوط به معانی، مانند دانش تزیل و تأویل و ظاهر و باطن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، آیات الاحکام، و تفسیر قرآن هستند؛ دسته سوم نیز علوم دینی اند که قرآن مجید عامل پیدایش آنها بوده است. به باور علامه طباطبایی، نزول قرآن منشأ پیدایش همه علوم دینی اعم از علوم حدیثی، اصول فقه، فقه و کلام بوده و حتی علوم ادبی، مانند صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و لغت، به رغم آنکه از مطلق کلام عربی بحث می‌کنند، اما اهتمام مسلمانان به این علوم و تدوین و توسعه آنها، و امдар قرآن کریم بوده است؛ چه اینکه عامل اصلی اشتغال ایشان به علوم عقلی اعم از طبیعیات و ریاضیات و...، به صورت نقل و ترجمه در آغاز و استدلال و ابتکار در سرانجام آنها، همان انگیزه فرهنگی بوده که ریشه در قرآن مجید داشته است.^۲ طبعاً نگاه علامه طباطبایی بسیار عام‌تر از نگاه رایج در میان محققان علوم قرآنی متأخر بوده و به مبنای ویژه‌ای در نسبت علوم با قرآن مجید در تمدن اسلامی متکی است. به نظر می‌رسد این نگاه عام در تحلیل و تعریف علوم دینی و گستره آن اهمیت دارد،^۳ اما از اصطلاح خاص

۱. در این باره همچنین ر. ک: فتح اللهی، متدولوژی علوم قرآنی، ص ۱۷۲-۱۷۴.

۲. طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۱۰۷-۱۱۱.

۳. این مسئله ذیل عنوان علم دینی، امروزه دغدغه اندیشمندان اسلامی است و استاد جوادی آملی ظاهراً بر پایه همین نگاه عام به علم دینی، نظریه ویژه‌ای عرضه داشته‌اند. در این باره ر. ک: اسدی و لواسانی، «بازخوانی نظریه علم دینی جوادی آملی در پرتو اندیشه علامه طباطبایی»، پژوهش‌های معرفت‌شناختی، دوره ۵، ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۵، ص ۲۵-۴۷؛ نیز درباره نظریه‌های علم دینی ر. ک: حسینی و دیگران، علم دینی دیدگاه‌ها و ملاحظات.

علوم قرآنی در این کتاب متمایز است.^۱ البته تفکیک میان علوم ناظر به لفظ قرآن و علوم ناظر به معنای قرآن در دسته دوم، می‌تواند ملاک و مبنایی موجه در رده‌بندی علوم قرآنی قرار گیرد. برخی علوم دسته سوم نیز آنگاه که مستقیم در خدمت فهم و تفسیر قرآن تعریف شوند، درخور ذکر در این رده‌بندی هستند؛ مانند علم اعراب، بلاغت و لغت قرآن.

استاد محمدهادی معرفت نیز که در عرصه علوم قرآنی تلاش‌های ستودنی کرده، رده‌بندی درخور توجهی در این باره در نظر داشته است. ایشان ضمن تعریف علوم قرآنی به مجموعه مسائل مرتبط با شناخت قرآن و شئون مختلف آن، این علوم را مباحث بیرونی قرآن شمرده است که پیش از مباحث درونی و محتوایی ناظر به تفسیر آیات مطرح می‌شوند و هر یک در چارچوب خود دارای استقلال هستند.^۲ همین نگرش سبب شده تا آثار مختلف علوم قرآنی ایشان شامل مجلدات التمهید، تاریخ قرآن، صیانة القرآن من التحریف، علوم قرآنی و آموزش علوم قرآنی در چاپ‌های مختلف که با انگیزه‌ها و از منظرهای متفاوتی تهیه شده‌اند، از نظام خاصی در تدوین این علوم پیروی نکرده و نوعی پراکندگی و نداشتن انسجام در آنها احساس شود.^۳

از دیگر محققانی که نگاه نسبتاً ضابطه‌مندی به این موضوع داشته و رده‌بندی علوم قرآنی را در نظام قابل دفاعی طرح کرده‌اند، شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر است.^۴ وی علوم قرآن را در نگاهی عام به همه معلومات و مباحثی تعریف می‌کند که به قرآن تعلق می‌گیرند، سپس ملاک تنوع این علوم را با توجه به حیثیت‌ها و جهات وجودی قرآن بیان داشته و می‌نویسد: قرآن جهات و اعتبارهای متعددی دارد که به حسب هر یک موضوع بحثی خاص واقع می‌شود. مهم‌ترین این اعتبارات عبارت‌اند از: ۱. قرآن به‌عنوان کلامی دال بر معنا، موضوع علم تفسیر است؛ ۲. قرآن به‌عنوان مصدر تشریع، موضوع علم آیات الاحکام است؛ ۳. قرآن به‌عنوان دلیل بر نبوت حضرت محمد ﷺ، موضوع علم اعجاز است که در این علم از وحیانی بودن این کتاب و

۱. پیشتر محقق مصری معاصر، عبدالعظیم زرقانی به نقل از سیوطی، از تعریف عام علوم قرآنی و دسته‌بندی موسع آن شبیه آنچه از علامه یاد شد، سخن گفته و آن را علوم قرآن به معنای اضافی لقب داده و نقدهایی بر آن وارد ساخته است؛ زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۶-۲۰.

۲. معرفت، علوم قرآنی، ص ۹.

۳. ر.ک: فتح‌اللهی، متدولوژی علوم قرآنی، ۱۷۴-۱۷۷.

۴. آرای ایشان در کتاب علوم القرآن به تقریر و بازنگاری شاگرد برجسته ایشان آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر حکیم آمده است.

خصایص و امتیازهای آن نسبت به سخنان بشری بحث می‌شود؛ ۴. قرآن به‌عنوان متنی عربی، موضوع علم اعراب و بلاغت قرآن است؛ ۵. قرآن به‌عنوان متنی مربوط به رخدادهای معین تاریخی در عصر نبوی، موضوع علم اسباب نزول است؛ ۶. قرآن به‌عنوان لفظی مکتوب، موضوع علم رسم الخط قرآن است؛ ۷. قرآن به‌عنوان کلامی خواندنی، موضوع علم قرائات است.^۱

بیان یاد شده البته شامل همه علوم قرآنی نیست و فصل‌های کتاب خود ایشان را نیز در بخش‌های چهارگانه، به درستی پوشش نمی‌دهد؛ اما می‌توان با بررسی عنوان‌های این بخش‌ها، ساختاری نسبتاً منسجم از علوم قرآنی دریافت که البته بر مبنای تحلیل گذشته درخور تکمیل و توسعه‌اند. بخش‌های چهارگانه این کتاب عبارت‌اند از:

بخش اول: موضوعات عام پیرامون قرآن شامل: نزول قرآن و مسئله وحی، اسباب نزول، هدف نزول، مکی و مدنی، ثبوت نص قرآن (شامل مباحث تاریخی در کتابت و جمع و تدوین و تحریف)؛

بخش دوم: مباحثی ناظر به موضوعات قرآنی (ابحاث فی القرآن) شامل: اعجاز، محکم و متشابه و نسخ؛

بخش سوم: تفسیر و مفسران، شامل مباحثی درباره تفسیر و تأویل و تفسیر به رأی، تاریخ تفسیر از عصر نبوی تا عصر صحابه و تابعان و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و ویژگی‌های آن و مبانی و اصول تفسیری این مکتب؛

بخش چهارم: تفسیر موضوعی، شامل مباحثی درباره ماهیت تفسیر موضوعی و قلمرو موضوعات قرآن و مباحثی نظری و تفسیری درباره سه موضوع مهم قرآنی؛ یعنی: قصص قرآن با تطبیق بر قصه حضرت موسی (علیه‌السلام)، فواتح سور (حروف مقطعه) و خلافت انسان.

شهید صدر همچون پیشینیان، تصریح دارد که علم تفسیر نسبت به دیگر علوم قرآن نقشی اساسی دارد.^۲ این نکته در واقع مبنای رده‌بندی و ترکیب علوم قرآنی در ساختار مورد نظر ایشان واقع شده و مراحل تدریجی مطالعات قرآنی را سامان داده است. در این رده‌بندی در مرحله نخست بخشی از علوم قرآن قرار می‌گیرند که در واقع دانش‌های پیرامونی مربوط به شناخت

۱. حکیم، علوم القرآن، ص ۲۰-۲۱ و ۲۲۴.

۲. همان، ص ۱۹.